

نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۹، شماره پیاپی ۳۴، پاییز ۱۳۹۷

شاپا چاپی: ۵۲۲۹-۲۲۲۸ - شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

<http://jupm.miau.ac.ir>

بررسی معناداری رابطه جهت‌گیری مذهبی و شادکامی در بین شهروندان استفاده‌کننده از

فضاهای عمومی شهری، نمونه موردی: شهر مشهد

علی‌رضا صادقی^۱: استادیار بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
الهه سادات موسوی سروینه باغی: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
زهرا پاستون: کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۰

صص ۱۶۸-۱۴۹

دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۷

چکیده

در بسیاری از مطالعات انجام شده در زمینه کیفیت فضاهای عمومی شهری، حضور شهروندان و چگونگی استفاده ایشان از فضاهای عمومی شهری به عنوان عامل مهم در موفقیت اینگونه فضاها معرفی شده است. مولفه‌های محیطی و فردی بسیاری بر حضور شهروندان در فضاهای شهر تاثیرگذارند. در میان عوامل موثر بر حضور افراد در فضای عمومی شهری، دو مولفه شادکامی و جهت‌گیری مذهبی بیشتر متاثر از بینش و جهان‌بینی فرد می‌باشند که در این پژوهش ارتباط میان این دو مولفه تحلیل شده است. به این منظور، این پژوهش از روش تحقیق پیمایشی و پرسشنامه‌های شادکامی آکسفورد (QHI) و پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت (ROS) (به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات) استفاده کرده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان شهر مشهد بوده‌اند که به شکلی در فضاهای عمومی این شهر حضور دارند و از اینگونه فضاها استفاده می‌کنند. با توجه به نامشخص بودن تعداد جامعه آماری و بر اساس فرمول کوکران (با مقدار خطا ۰/۰۹)، تعداد ۱۲۰ نفر از جامعه آماری به عنوان گروه نمونه انتخاب شده‌اند. همچنین روایی و پایایی پرسشنامه این تحقیق با استفاده از روش‌های اعتبار محتوا و آلفای کرونباخ (۰/۷۶) تایید شده است. با توجه به توزیع نرمال داده‌ها، جهت تبیین رابطه دوسویه شادکامی و جهت‌گیری مذهبی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش حاکی از وجود رابطه مثبت دوطرفه بین متغیر شادکامی و متغیرهای جهت‌گیری مذهبی بیرونی ($r=0/332$) و درونی ($r=0/467$) و ($p<0/01$) است. بدین معنی که در فضاهای عمومی شهری و در بین گروه‌های مختلف حاضر در اینگونه فضاها، با افزایش میزان جهت‌گیری مذهبی بیرونی و درونی شهروندان، میزان شادکامی ایشان نیز افزایش می‌یابد و برعکس. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده و بر اساس مولفه‌های شادکامی و جهت‌گیری مذهبی، راهبردهای طراحی شهری موثر بر ارتقا حضورپذیری فضاهای عمومی شهری گوناگون ارائه شده است.

واژگان کلیدی: جهت‌گیری مذهبی، شادکامی، حضورپذیری، فضای عمومی شهری، شهر مشهد.

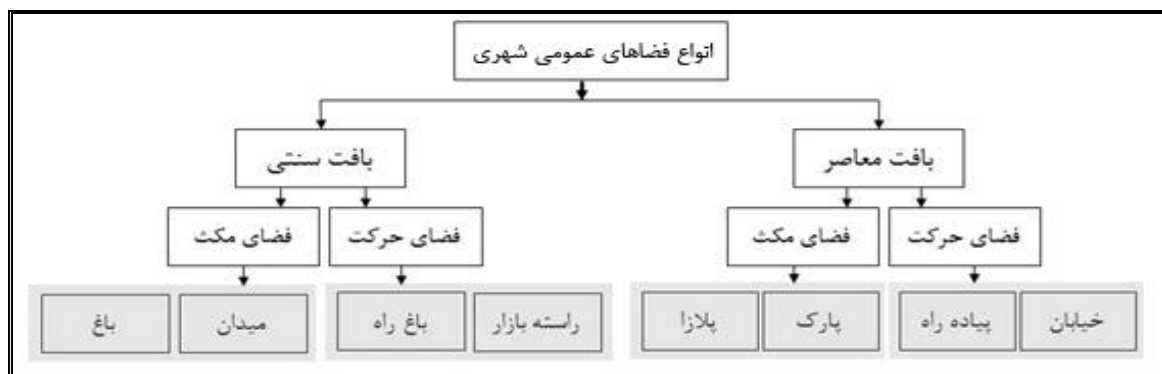
^۱ نویسنده مسئول: arsadeghi@shirazu.ac.ir ۰۷۱۳۶۱۳۱۰۷۰

بیان مسأله:

فضای عمومی یک موضوع مهم در مطالعات شهری اوایل قرن بیستم بوده است. از دیدگاه نظری، تحولات فضای عمومی و بحران دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به عنوان دهه‌های چالش با قدرت در تمامی ابعاد شناخته می‌شود. در ابتدای دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی، جهان شاهد رشد سریع شهرها است. در این بین انتقادهای فراوانی از اشتباهات صورت گرفته در برنامه‌ریزی و طراحی سکونتگاه‌های انسانی به گوش رسید. در واقع در این میان چیزی گم شده بود که تعریف آن بسیار مشکل بود ولی به صورت مفاهیم شهرهای خوابگاهی و فقر فرهنگی نمود یافت. آنچه فراموش شده بود زندگی در فضاهای عمومی میان ساختمان‌ها بود. خودروها با تفکر عظمت‌گرایی، تفکر افراطی منطبق‌گرا و استفاده از فرآیندهای محدود، زندگی را به کناری زده بودند. این انتقادات از کسانی همچون جین جیکوبز، ویلیام اچ وایت در نیویورک، کریستوفر الکساندر در برکلی و یان گل در کپنهاگ شنیده می‌شد (گل و سوار، ۱۳۹۴: ۳). گرایش به زندگی ماشینی، حضور گسترده وسایل نقلیه و تغییر چهره شهر به واسطه چیرگی اتومبیل بر فضای شهری، جدایی‌گزینی مردم از فضاهای عمومی، نادیده‌انگاری ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی نهفته در فضاهای عمومی، بی‌توجهی به حفظ و ارتقا حیات جمعی در دهه‌های پیشین، موجب شده که برخی فضاهای عمومی در مقیاس‌های مختلف شهری اهمیت و نقش خود را از دست بدهند. ایجاد فضاهای عمومی در مقیاس‌های مختلف شهری در دهه‌های اخیر تلاشی در جهت رفع نیاز اجتماعی انسان به فضاهای عمومی شهری به عنوان بستر تعاملات اجتماعی بوده است. حضور افراد در این فضاها منجر به اجتماع‌پذیری فضای عمومی و عاملی در جهت موفقیت فضاست (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴). از این رو، رفته رفته فضای عمومی شهرها به یک موضوع مهم در طراحی شهری تبدیل شد.

مطالعات بسیاری در زمینه فضاهای عمومی شهری صورت گرفته است که در راس تمام موضوعات، حضورپذیری فضای شهری به عنوان عامل مهم در موفقیت یک فضای عمومی شهری معرفی شده است. چراکه فضاهای عمومی شهری، عموماً جز لاینفک جاذبه‌های شهری و میراثی ماندگار از فرهنگ و هویت جوامع محسوب می‌شوند. این فضاها، مفهومی متعالی‌تر از یک فضای ساده و معمولی دارند به گونه‌ای که علاوه بر پوشش خصیصه‌های کلی یک فضا، معیارهای زیباشناختی و ارزش‌های پیچیده اقتصادی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرند (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۸). در واقع فضای شهری زمانی فضای عمومی تلقی می‌شود که در آن حضور، تعامل و تقابل اجتماعی شهروندی صورت گیرد. ارتقا کیفی این فضاها بیش از سایر انواع فضاها (خصوصی و نیمه‌خصوصی) موجب ایجاد شهری سالم، پویا و سرزنده خواهد شد (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۴۹). از اینرو فضاهای شهری با توجه به نوع کیفیتی که ارائه می‌دهند قابل شناسایی هستند.

در طول تاریخ بشر فضاهای شهری همواره عرصه حضور شهروندان و اجرای کارکردهای اجتماعی بوده‌اند و بسیاری از فعالیت‌های وابسته به عرصه خصوصی نیز به عرصه عمومی فضاهای شهری سپرده شده است. در واقع هر شهر انواعی از فضاهای عمومی دارد (شکل ۱) که هرکدام با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد خود، بر چگونگی حضور شهروندان و کیفیت تعاملات اجتماعی ایشان تاثیرگذارند. همچنین مطالعات و پژوهش‌های بسیاری، فاکتورهای وابسته به محیط و همچنین متاثر از شخصیت افراد را عوامل مؤثر بر حضورپذیر نمودن یک فضای شهری معرفی نموده‌اند.



شکل ۱- انواع فضاهای عمومی شهری - منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷

با توجه به آنچه گفته شد در پژوهش حاضر ضمن معرفی عوامل و شاخص‌های محیطی و فردی موثر بر حضورپذیری فضاهای عمومی شهری، به تبیین دو مولفه متأثر از خصوصیات فردی، یعنی شادکامی و جهت‌گیری مذهبی پرداخته شده است. ذکر این نکته لازم است که به طور کلی پژوهش‌های انجام شده در حوزه تبیین رابطه میان شادکامی و جهت‌گیری مذهبی، یا به فضاهای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی همچون فضاهای آموزشی (دانشگاه‌ها و مدارس) و یا فضاهای اداری معطوف شده‌اند یا گروه اجتماعی یا شغلی ویژه‌ای را مد نظر قرار داده‌اند. در واقع تاکنون رابطه میان این دو مولفه در فضاهای عمومی شهری و با در نظر گرفتن تمام افراد حاضر و گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از فضاهای عمومی شهری، بررسی و تحلیل نشده‌است. همچنین در پژوهش‌های مختلف روابط میان شادکامی و جهت‌گیری مذهبی به سه گونه بیان شده است: در اکثر موارد این رابطه مثبت است، در برخی موارد رابطه منفی و در پاره‌ای از پژوهش‌ها رابطه معناداری میان این دو مولفه گزارش نشده‌است. از اینرو در این پژوهش، با جمع‌آوری اطلاعات از شهروندان و گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از ۴ فضای عمومی منتخب در شهر مشهد (پیاده‌راه جنت، پارک کوهسنگی، خیابان احمدآباد و بازار سرشور)، به بررسی رابطه میان میزان شادکامی و جهت‌گیری مذهبی در بین شهروندان حاضر در فضاهای عمومی شهری پرداخته شده است. در این زمینه فرضیه تحقیق این پژوهش بدین شکل بیان شده‌است: به نظر می‌رسد در فضاهای عمومی شهری، رابطه‌ای مثبت و معنادار میان میزان شادکامی افراد حاضر در اینگونه فضاها و جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) ایشان وجود دارد.

چارچوب نظری:

حضورپذیری فضاهای شهری: فضاهای عمومی شهری، مکان‌هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق دارند، منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نیستند و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت انسانی است که معنا می‌یابند. فضاهای شهری قدمتی دیرینه در تاریخ شهرسازی دارند و در ادوار مختلف به اشکال گوناگون در شهرها حضور داشته و سبب شکل‌گیری بافت شهری در پیرامون و یا بر حول محور خود گردیده‌اند (کاشانی جو، ۱۳۸۹). میزان موفقیت فضاهای شهری با میزان استفاده از آن فضا و حضور انسان در آن متناسب است. از اینرو معماری و شهرسازی باید به جای افتراق و جدایی در پی افزایش تعاملات اجتماعی و همبستگی انسان‌ها باشد (بهزادفر، ۱۳۹۲). فضاهای عمومی شهری، مکان‌های ملموسی هستند که فعالانه بر زندگی ما اثر می‌گذارند. این فضاها، از ویژگی‌هایی مانند سرزندگی، تحرک، تحول مداوم، پیوستگی و انسجام برخوردارند. مهمتر این که همه گروه‌های اجتماعی می‌توانند در این فضاها حضور یابند (پورمند و موسیوند، ۱۳۸۹). از نظر سای‌پایمر فضاهای همگانی شهر فرصت‌هایی را برای تعامل انسانی و تفریح و لذت‌بردن از محیط فراهم می‌سازند (پایمر، ۱۳۹۲: ۱۱۱). همچنین پایمر در بیان عوامل مؤثر بر سرزندگی یک فضای شهری موفق اشاره می‌کند که یک فضای عمومی موفق می‌بایست پذیرای

جمعیت کثیری از افراد باشد (Paumier, 2007). در این زمینه سرزندگی محیط شهری کیفیتی است که نشان از پویایی و جنب و جوش حیات هر روزه شهروندان در ارتباط با بستر سکونتشان دارد. به گفته ویلیام وایت آنچه بیش از همه مردم را به سوی خود می کشد، حضور انسان های دیگر است (سامانی، ۱۳۹۱: ۷۶). بنابراین فضای شهری سرزنده فضایی است که در آن حضور تعداد قابل توجهی از افراد متنوع (به لحاظ سن و جنس) در گستره زمانی وسیعی از روز مشاهده می شود و فعالیت های ایشان عمدتاً به شکل انتخابی یا اجتماعی بروز می یابد (خستو و رضوانی، ۱۳۸۹). یان گل در اوایل دهه ۷۰ میلادی به بحث در زمینه پیاده راه ها و نحوه طراحی مناسب فضاهای عمومی، به ویژه در کشورهای حوزه اسکاندیناوی پرداخت و بیان کرد: «فعالیت های موجود در فضاهای عمومی به سه دسته می توانند تقسیم شوند: فعالیت های ضروری، فعالیت های اختیاری و فعالیت های اجباری. در خیابان ها و فضاهای شهری با کیفیت پایین، حداقل فعالیت ها اتفاق می افتد و مردم با عجله به سمت خانه می روند. در فضاهایی با کیفیت مناسب طیف گسترده ای از فعالیت های مردم امکان پذیر است» (Gehl, 1987). گل این فعالیت ها را عامل اصلی موثر بر حضور افراد در فضاهای شهری معرفی می کند. او حضورپذیری فضاهای شهری را با اصطلاح شهر دعوت کننده معرفی می کند. چون در این فضا می توان با هم شهری ها چهره به چهره دیدار کرد و به طور مستقیم از راه حواس، به تجربه اندوزی پرداخت. او واژه هایی مانند حضورپذیری یا بستری برای حضور در فضای شهری را با تأکید بر حضور مردم تعریف نمود و بار اجتماعی این مفهوم را مدنظر قرار دارد (وحدت و سجاذزاده، ۱۳۹۵). هیلپیر حرکات طبیعی مردم و رابطه میان آن با وضعیت فضای شهری را تعیین می کند که به نوبه خود نقش اساسی در فرآیند اجتماعی یک جامعه شهرنشین دارند. از نظر او حضور مردم احساس ایمنی در فضای عمومی را افزایش می دهند و ابزارهای اولیه ای را که بوسیله آنها یک فضا به صورت طبیعی مراقبت می گردد را فراهم می نمایند (Westin, 2011). همچنین او بیان می کند که فضاهای شهری، در کنار ویژگی های ملموس اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بدون حضور مردم غیر قابل استفاده هستند. بهترین فضاهای شهری آن هایی هستند که امکان حضور همراه با احساس ایمنی و امنیت را برای شهروندان فراهم می کنند (Yazdanfar et al, 2012). در همین زمینه کوپرمارکوس نیز با انتشار کتاب مکان های مردم به بررسی ابعاد اجتماعی و روانی فضا در بر هم کنش میان زندگی همگانی و فضای همگانی پرداخت. کتاب او واکنشی به فقدان توجه به حضور زنان، کودکان و کهنسالان در فضاهای عمومی شهری بود (گل و سوار، ۱۳۹۴).

از جمله دیگر نظریه پردازانی که به بحث در زمینه عوامل مؤثر بر حضور افراد در فضاهای عمومی شهری پرداخته اند می توان به جین جکویز، ادموند بیکن، فرانسیس تیبالدز، کوین لینچ، دونالد اپلبارد و... اشاره نمود. در جدول شماره ۱ جمع بندی دیدگاه های این نظریه پردازان در زمینه مولفه های محیطی مؤثر بر حضورپذیر نمودن فضاهای شهری، ارائه شده است.

جدول ۱- بررسی دیدگاه صاحب نظران در زمینه مولفه‌های محیطی موثر بر حضورپذیری فضای شهری

نظریه پرداز	سال	عنوان نظری / کتاب	توضیحات
اشپرای رگن	۱۹۶۰	معماری شهرها و شهرک‌ها	پیاده‌روی ایجاد کننده بیشترین سطح تماس با یک مکان شهری و حضور افراد در یک فضای شهری است
جین جکوبز	۱۹۶۱	کتاب مرگ و زندگی شهرهای امریکا	تقویت تعامل اجتماعی، توجه به فعالیت‌ها، اختلاط کاربری‌ها، نفوذپذیری و قابلیت دسترسی، اختلاط اجتماعی و انعطاف‌پذیری، حضور چشمان خیابان و کاهش جرم و جنایت افزایش سرزندگی و حضورپذیری از طریق ۴ شرط اصلی: محدوده ترجیحا دارای بیشتر از دو کارکرد اصلی باشد، غالب بلوک‌ها کوتاه باشند، منطقه ترکیبی از ساختمان‌هایی با سن و شرایط متفاوت باشد و تراکم فشرده کافی مردم صرف‌نظر از علت حضورشان وجود داشته باشد.
فرانسیس تیبالدز	۱۹۶۲	شهرسازی شهروندگرا	توجه به مقیاس انسانی در محیط‌های شهری و آزادی عابران پیاده
سرگئی چرمایف	۱۹۶۴	عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی	تاکید بر عرصه‌های همگانی و خصوصی و حضور افراد از طریق استفاده نکردن از خودرو شخصی و به‌کارگیری وسایل حمل و نقل عمومی، توجه به حضور پیاده
لارنس هالپرین	۱۹۶۸	مطالعه بر کیفیت، شخصیت و معنای فضای باز در طراحی شهری	اولویت حرکت پیاده در فضای شهری، افزایش کیفیت پیاده‌روی
ادموند بیکن	۱۹۶۸	طراحی شهرها	چگونگی درک عابرین از فضا به عنوان یک تجربه حسی، طراحی فضا و آگاهی از چگونگی استفاده از آن
یان گل	۱۹۷۱	زندگی میان ساختمان‌ها	استفاده از اصطلاح شهر دعوت‌کننده، تقسیم فعالیت‌های موثر بر حضورپذیری به سه گروه ضروری، انتخابی، اجتماعی
کوبین لینگ	۱۹۸۱	کتاب تئوری شکل خوب شهر	توجه به سرزندگی، معنی، سازگاری، دسترسی، کنترل و نظارت، کارایی، عدالت در فضاهای شهری
دونالد اپلبارد	۱۹۸۴	کتاب خیابان‌های قابل زندگی مقاله خیابان‌ها می‌توانند باعث مرگ شهرها شوند	خیابان‌ها برای افزایش حضورپذیری افراد باید در کنار عملکرد شهری، عملکردهای فرهنگی، اجتماعی و تفریحی داشته باشند
هرمان کنف لاکر	۱۹۸۵	برنامه‌ریزی تردد پیاده و دوچرخه	افزایش حضورپذیری از طریق حق تقدم به عابر پیاده، مسیر سواره‌رو را هرکسی مجاز است برای پیاده رفتن مورد استفاده قرار دهد اما استفاده از مسیرهای پیاده بدون تجاوز به حقوق فردی اشخاص فقط برای حرکت پیاده می‌باشد.
آلن جیکوبز	۱۹۸۷	به سوی یک بیانیه طراحی شهری	زیست‌پذیری، هویت، کنترل، دسترسی به فرصت‌ها، تخیل و لذت، سلامتی، معنی، زندگی همگانی، اعتماد به نفس شهری، محیط برای همه
مایکل ساوت ورت	۱۹۸۹	نوپیاده‌گرایی	تمرکز بر کاهش یا حذف اتومبیل در فضاهای شهری، شهر پایدار، حمل و نقل سبز
پیتر کالترپ	۱۹۹۰	نوشهرسازی	توجه به تنوع فرهنگی و ساختمانی، توجه به مقیاس انسانی، نگهداری و حفظ بافت‌ها و ساختمان‌های تاریخی و منطقه‌گرایی و توسعه منطقه‌ای
یان بنتلی و همکاران	۱۹۹۰	کتاب محیط پاسخده	نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری بصری، قابلیت شخصی‌سازی، پاکیزگی، کارایی از نظر مصرف انرژی، حفاظت و نگهداری از اکوسیستم‌ها
پیتر باسلمن	۱۹۹۸	بازنمایی مکان	تاکید بر تجربه حضور در فضای شهری، تجربه شهر در حین حرکت
سای پایمر	۲۰۰۷	آفرینش مرکز شهری سرزنده	عوامل موثر بر یک مکان عمومی موفق و حضورپذیر عبارتند از موقعیت، اندازه، برنامه-ریزی، طرح

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷

علاوه بر عوامل ذکر شده در جدول شماره ۱ که بیشتر معطوف به کیفیت محیطی فضاهای شهری می‌باشند، عوامل فردی و شخصی نیز بر میزان تمایل فرد بر حضور در فضاهای شهری تاثیرگذار است که برخی از محققین بدان اشاره نموده‌اند. این عوامل متأثر از دیدگاه‌های فردی و نوع نگاه هر شخص به جهان پیرامون است، اهم این مولفه‌ها در جدول شماره ۲ تبیین شده است.

جدول ۲- بررسی دیدگاه محققین در زمینه مولفه‌های فردی موثر بر حضور شهروندان در فضاهای عمومی شهری

محققین	مولفه فردی	توضیحات
خاکپور و حریرچیان، ۲۰۱۷ بلورچی و بلورچی، ۲۰۱۷	جنسیت	وجود امنیت اجتماعی و محیطی در فضای شهری برای زنان توجه به معیارهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی موثر بر ایجاد تفاوت‌های جنسیتی ایجاد زمینه افزایش مشارکت و حضورپذیری زنان در فضاهای شهری از طریق برنامه‌ریزی فضایی و طراحی فضاهای عمومی و اطمینان از میزان روشنایی فضا
سیلیک و دیگران، ۲۰۱۶ لستن، ۲۰۱۴	شادی	ایجاد محیطی سرزنده با کیفیت بالا ایجاد محیطی مشارکت‌پذیر با هدف ارتقای سطح تعاملات اجتماعی و استفاده از عناصر طبیعی همچون آب، گیاه
سلطانیان و محمدی، ۲۰۱۵ رضوی‌زاده و دیگران، ۲۰۱۵	سلامت روان	ایجاد دسترسی مطلوب به فضاهای سبز شهری با کیفیت، ایجاد مسیرهای پیاده سبز پیوسته کاهش ترس، استرس و اضطراب در فضاهای شهری
پاکزاد، ۲۰۱۰ ویلر، ۲۰۰۷	جمع‌گرایی	توجه به طراحی با رویکرد انسانی، مشارکت مردم در مدیریت و حفظ فضاهای عمومی ایجاد فضاهای مناسب و پویا برای گذران اوقات فراغت گسترش فضاهای پیاده شهری همراه با ارتباطات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی
مزومدار و مزومدار، ۲۰۰۴	جهت‌گیری مذهبی	توجه به مذهب بر شکل‌گیری حس مکان و اماکن مذهبی و حضور اقدار مختلف و جلوگیری از تک قطبی شدن فضا

منبع: مطالعات نویسنندگان، ۱۳۹۷

جایگاه شادکامی و جهت‌گیری مذهبی در حضورپذیری فضای شهری:

عرصه‌های عمومی مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند. در چنین عرصه‌هایی بیشترین تماس، ارتباط و تعامل بین انسان‌ها رخ می‌دهد و این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، در بر می‌گیرد. بنابراین این مکان‌ها از خیابان‌ها، پارک‌ها و چهارراه‌ها تا ساختمان‌های محصورکننده آنها را شامل می‌شود (تیبالدز، ۱۳۸۷: ۱۵). این عرصه‌های عمومی می‌بایست پذیرای تمامی افراد یک جامعه باشند چراکه منحصر شدن هر فضای عمومی به قشری خاص، رفته رفته افول آن فضا و در نهایت شکست آن را در پی خواهد داشت. همانگونه که در جداول ۱ و ۲ بیان شد مؤلفه‌های محیطی و فردی بسیاری بر حضور افراد در فضاهای شهر تاثیرگذارند. در میان عوامل مؤثر بر حضور افراد در فضای شهری دو مولفه شادی و جهت‌گیری مذهبی افراد بیشتر متأثر از بینش و جهان بینی فرد می‌باشند.

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رابطه همبستگی میان میزان شادی و عزت نفس وجود دارد و افراد با عزت نفس پایین از حضور در جمع خودداری می‌کنند که این امر سبب گوشه‌گیر شدن آنها و در نتیجه ایجاد افسردگی در آنها می‌شود. افسردگی نیز موجب کاهش میزان شادمانی فرد می‌شود (میرشاه جعفری و دیگران، ۱۳۸۱). از این‌رو فقدان احساس شادی افسردگی و کاهش تمایل به حضور در جمع را به همراه دارد. از سویی دیگر دین و گرایش‌های مذهبی به عنوان عامل دیگر مؤثر بر حضورپذیری فضاهای عمومی شهری، می‌تواند تأثیر گسترده‌ای در روابط میان مردم بر جای گذارد که این عمل از طریق تأثیر بر طرح‌های شهرها، محله‌ها، خانه‌ها و اماکن مقدس و همچنین اخلاق، کیفیت زندگی و شخصیت افراد صورت می‌پذیرد. افراد مذهبی با اماکن مذهبی ارتباط بهتری برقرار می‌کنند و به صورت چشم‌گیرتری در اماکن جمعی و عمومی

حضور می‌یابند (Mazumdar & Mazumdar, 2004). با توجه به آنچه گفته شد در ادامه مفاهیم جهت‌گیری مذهبی و شادکامی به عنوان متغیرهای اصلی این تحقیق بازخوانی شده‌است.

مفهوم و ابزار سنجش جهت‌گیری مذهبی:

مذهب یکی از مؤثرترین عوامل در تاریخ بشری است. نگرش مذهبی عبارت است از اعتقادات منسجم و یکپارچه توحیدی که خداوند را محور امور می‌داند و ارزش‌ها، اخلاق، آداب و رسوم و رفتارهای انسان با یکدیگر، طبیعت و با خویشتن را تنظیم می‌کند (حیدری رفعت و عنایتی نوین فر، ۱۳۸۹). مذهب نقش مهمی در زندگی فرد دارد و می‌تواند امید را به ناامیدی تبدیل کند. اکثر افراد معتقدند که در زندگی روزمره از طریق مذهب می‌توانند آرامش را در حین نگرانی‌های روانی تجربه کنند (Underwood & Teresi, 2002). هرکس به صورت ناخودآگاه گرایش به اعتقادات مذهبی را در خود حس می‌کند. مطالعات باستان‌شناسی و انسان‌شناسی نشان داده که دین دارای تاریخچه طولانی است و بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان در تمام سنین بوده است. نگرش و باورهای مذهبی تأثیر قابل توجهی بر زندگی مردم دارد. امید به خدا در برخورد با مشکلات و برخورداری از حمایت اجتماعی و معنوی و همچنین احساس تعلق به یک قدرت والا، از جمله مواردی است که به مردم مذهبی در سختی‌ها و مشکلات کمک می‌کند (Modabber et al, 2016). دین می‌تواند برای مردم مهم باشد و جز مهمی از زندگی خصوصی و عمومی به شمار رود که بر انتخاب شیوه زندگی ایشان همچون انتخاب محل زندگی، انتخاب همسر، حضور در عبادتگاه‌ها، میزان مشارکت در جامعه، حضور در تجمع‌ها و... تأثیرگذار است (Mazumbar & Mazumbar, 2004).

به منظور سنجش جهت‌گیری مذهبی افراد، مقیاس جهت‌گیری مذهبی (ROS) توسط آلپورت و روس (۱۹۶۷) بنیان نهاده شد و گسترش یافت. این مقیاس یکی از روش‌های بنیادی در جستجوی رابطه میان رفتار مذهبی و سلامت است. مقیاس جهت‌گیری مذهبی بر اساس یک تئوری در ماورای رفتار مذهبی گسترش یافته که انگیزه شروع آن با آلپورت در سال ۱۹۵۰ بوده است. او تصور کرد که گرایش‌های مذهبی بالغ و نابالغ وجود دارد که این مفاهیم متعاقباً تحت تأثیر جهت‌گیری‌های مذهبی درونی و بیرونی قرار می‌گیرند. جهت‌گیری مذهبی بیرونی به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف شخصی، حمایت اجتماعی، آسایش و اعتماد به نفس و ابزاری منفعت طلبانه است در حالی که جهت‌گیری مذهبی درونی منجر به رشد معنوی شخصی و شکل‌گیری رابطه معنادار با خداوند متعال می‌شود (Darvyri et al, 2014). در واقع از نظر آلپورت مذهب طیفی است که از یک سو برای افراد معنایی ابزاری دارد و از سوی دیگر نوعی مفهوم و مفهوم‌یابی است که خود انگیزه اصلی زندگی است و ارزش درونی دارد. مذهب درونی به خودی خود برای فرد جنبه انگیزشی دارد و به دیگر محرک‌ها نیازی ندارد (جان بزرگی، ۱۳۸۶). آلپورت بر مبنای کوشش‌های نظری‌اش مقیاسی برای اندازه‌گیری جهت‌گیری‌های مذهبی درونی و بیرونی بنیان نهاد. او به همین منظور یک مقیاس ۲۰ گزینه‌ای ساخت که ۱۱ گزینه آن به سنجش جهت‌گیری مذهبی درونی و ۹ گزینه آن به سنجش جهت‌گیری مذهبی درونی اشاره دارند (جعفری، ۱۳۸۸).

مفهوم و ابزار سنجش شادکامی:

شادی یکی از هیجانانگیزترین مرتبط با زندگی است که هر فرد در طول عمر خود می‌تواند بارها این حس را تجربه کند، با این وجود تعاریف بسیاری برای آن بیان شده است که نشان دهنده پیچیدگی در مفهوم و ادراک آن می‌باشد. ارسطو شادی را زندگی معنوی می‌داند. وی دست کم به سه نوع شادمانی معتقد است؛ در پایین‌ترین سطح، عقیده مردم عادی است که شادمانی را معادل موفقیت و کامیابی می‌دانند و در سطح بالاتر از آن، شادمانی مورد نظر ارسطو یا شادمانی ناشی از معنویت قرار می‌گیرد (آرگیل، ۲۰۰۱). وینهون (۱۹۸۸) شادی را درجه و میزانی اطلاق می‌کند که شخص درباره مطلوبیت کل زندگی

خود قضاوت می‌کند، این بدان معناست که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد و از آن لذت می‌برد. آرگیل (۲۰۰۱) شادی را نوعی حالت خوشحالی یا سرور، راضی بودن از زندگی و فقدان افسردگی و اضطراب تعریف کرده است. او دریافت که رابطه مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصی، دوست داشتن دیگران و طبیعت نیز از اجزای شادی هستند. در گذشته روانشناسی به جای توجه به هیجانات مثبت از جمله شادکامی و رضایت از زندگی، بیشتر بر هیجانات منفی مثل اضطراب و افسردگی تمرکز می‌کرد. اگرچه حتی امروز تعدادی از کتاب‌ها و مقالات علمی بر درد و رنج انسانی تأکید دارد تا شادمانی و لذت، لکن در چند دهه اخیر علاقه بسیاری از محققان و نویسندگان به سوی لذت، شادمانی و رضایت از زندگی معطوف شده است (کشاورز و دیگران، ۱۳۸۷)، به گونه‌ای که در سال‌های اخیر توجه بسیاری به روانشناسی مثبت شده است و شادی یکی از اساسی‌ترین مفاهیم روانشناسی مثبت است. شادی یا رفاه ذهنی غالباً با احساسات مثبت همچون هیجان، شادی، امید، علاقه، اعتماد، عشق آمیخته شده است (Sapmaz et al, 2016). یکی از ابزارهای مهم در سنجش میزان شادکامی افراد، پرسشنامه شادکامی آکسفورد (QHI) می‌باشد. از دیدگاه نظری، ارگیل و کروسلند (۱۹۸۷) نشان دادند که شادکامی متشکل از ۳ جز است: فرکانس و درجه تأثیرگذاری مثبت یا احساس خوشی، میانگین سطح شادی در طول یک دوره، و نبود احساسات منفی همچون افسردگی و اضطراب. آنها پرسشنامه شادکامی آکسفورد را با معکوس کردن ۲۱ آیتم از فهرست افسردگی بک گسترش دادند و ۱۱ سوال دیگر به آن افزودند، سرانجام نسخه نهایی با ۲۹ سؤال چهار گزینه‌ای به منظور ارزیابی افراد از احساس نداشتن شادی تا بسیار شاد مورد استفاده قرار گرفت و هیل و آرگیل ۲۹ آیتم پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHQ) را گسترش دادند (J. Francis et al, 2003).

رابطه میزان شادکامی و جهت‌گیری مذهبی:

نظریه‌ها بیان می‌کنند که مذهب، میزان شادکامی را به چند طریق ارتقا می‌دهد. برای مثال، اعمال مذهبی، مانند حضور در مساجد، تعامل و حمایت اجتماعی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این ایجاد و گسترش رابطه فردی با خدا، شادکامی را با کاهش استرس و بهبود راهبردهای غلبه بر استرس ارتقا می‌دهد. همچنین مذهب به زندگی شخص معنا می‌دهد (حیدری رفعت و عنایتی نوین‌فر، ۱۳۸۹). بررسی فاکتورهای موثر بر افزایش شادکامی، نقطه تمرکز تحقیقات امروزی است و مذهب به عنوان یک فاکتور مثبت در ارتباط با شادی شناخته شده است. با این وجود ارتباط بین شادی و مذهب در برخی تحقیقات نتایج متناقضی را نشان داده است (J. Sillick et al, 2016; Lewis & cruise, 2006).

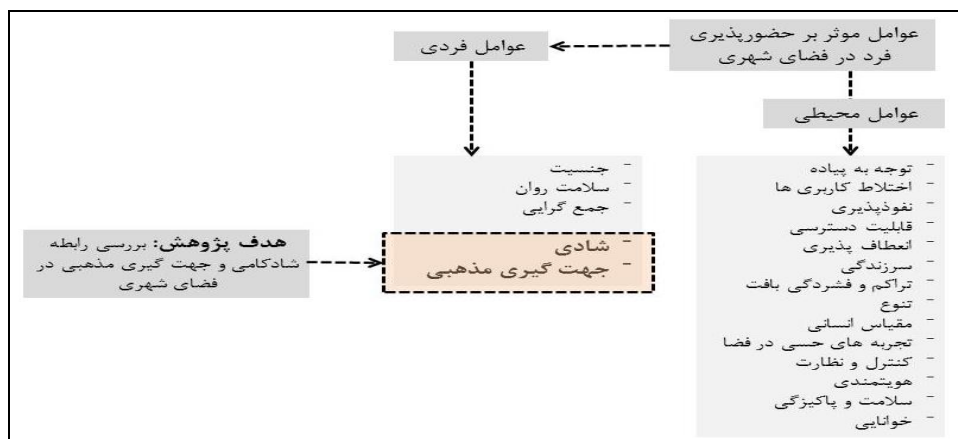
در یک تحقیق ۳۶۴ فرد بالغ، که ۴۶ درصد آنها از اعضای کلیسا بودند، در بررسی تجربیات مذهبی - عرفانی شرکت کردند. در این تحقیق نقش معیارهای شادی متأثر از صفات شخصی و متغیرهای شخصیتی بر بهبود شاخص‌های مذهبی بررسی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که تأثیرات مذهبی متشکل از معیارهای اجتماعی، ماندگاری و متعالی است. طبق این تحقیق فاکتورهای اجتماعی و ماندگاری با عضویت در کلیسا ارتباط داشته است در حالی که فاکتورهای متعالی مرتبط با تجربیات عرفانی بوده است (Argyle and Hills, 2000). در تحقیق دیگری روابط بین مفاهیم چندبعدی رفاه و دینداری بررسی و اهمیت مذهبی بودن در میزان رضایت از زندگی و رفاه تحلیل شد. طبق نتایج این تحقیق رضایت مذهبی برای ایجاد رضایت کلی زندگی و رفاه مهم و ضروری است. از میان ۸ شاخص مذهبی در این تحقیق، رضایت مذهبی، فراوانی دعا، تجربه دعا و ارتباط با خدا پیش‌بینی‌کننده‌های مهم رضایت از زندگی، رفاه و شادی بوده‌اند و هیچ کدام از شاخص‌های مذهبی به تأثیرات منفی منجر نشده است (M. Poloma and F. Pendleto, 1990). در تحقیق عقیلی و کومار (۲۰۰۸) تمام خرده مقیاس‌ها و نگرش‌های کلی مذهبی به شدت با خوشبختی در ارتباط بوده‌اند و توجه بیشتر به مذهب منجر به دستیابی به سطح بالاتر شادی شده است. بررسی بیشتر همبستگی‌ها نشان داد که هرچند شادکامی با گرایش‌های مذهبی در ارتباط است ولی با

جنبه‌های رسمی مذهب ارتباط کمتری دارد (Aghili and Kumar, 2008). دمیر و بروکس در تحقیق خود معتقدند که خوش-بینی و بدبینی در ارتباط با گرایش‌های مذهبی هستند و رابطه قوی‌تری میان خوش‌بینی به زندگی و تعهدات مذهبی وجود دارد (N. Dember and Brooks, 1989). همچنین یافته‌های تحقیقی نشان داد که بین مفهوم مذهب و خوشبختی و سلامت روان دانشجویان ارتباط معناداری وجود دارد (صالحی و دیگران، ۱۳۸۶). در همین زمینه در تحقیق دیگری بیان شد که دانش‌آموزان مذهبی از دانش‌آموزان غیرمذهبی شادتر هستند (Cranney, 2016) و همچنین بیان شده است که مذهب نقش تأثیرگذاری بر افزایش سطح شادکامی و معنای زندگی دارد (Abarghouei et al, 2016). علاوه بر موارد ذکر شده در پژوهش‌های دیگری نیز به رابطه مثبت میان جهت‌گیری مذهبی و میزان شادکامی اشاره شده است همچون: Francis & Lester, 2008; French & Joseph; Francis et al, 2003; Milevsky, 2002; Sanua, 1969; Poloma & Pendelton, 1990; Joshi et al, 2008

با این وجود در برخی تحقیقات دیگر به عدم وجود رابطه روشن و معنادار میان گرایش‌های مذهبی و شادکامی و یا وجود رابطه عکس میان این دو اشاره شده است. به عنوان مثال در تحقیق جی. سیلیک یافته‌ها نشان دادند که افراد مذهبی نسبت به افراد غیرمذهبی شادتر نیستند. وی بیان کرد که جهت‌گیری مذهبی درونی پیش‌بینی‌کننده منفی شادی است، درحالی‌که جهت‌گیری مذهبی بیرونی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مثبت شادی باشد (J. Sillick et al, 2016). همچنین کیم (۲۰۰۷) به عدم وجود رابطه میان دو فاکتور شادکامی و مذهب اشاره می‌کند (kim, 2007). همچنین در تحقیقی در چین بیان شد که فرقه‌های مختلف مذهبی ارتباط یکسانی با میزان شادی ندارند و نتایج نشان داد که پیروان دائویست و مسیحیت رابطه منفی با شادی دارند (Lu and Gao, 2016). از سویی دیگر زوکرمن (۲۰۰۹) با تحلیل مبانی نظری موجود، نتیجه گرفت که افراد مذهبی از لحاظ رفاه و رضایت از زندگی در شرایط بهتری از افراد غیرمذهبی هستند. در عین حال وی بیان کرد اگرچه اکثر مطالعات به رابطه افراد مذهبی و غیرمذهبی می‌پردازند، با این وجود رسیدن به یک نتیجه قطعی دشوار است. زوکرمن به وجود ناسازگاری‌هایی در مطالعات اشاره کرد و نشان داد در مقیاس‌های جهانی کشورهای دارای سطوح بالاتر افراد غیرمذهبی بالاترین سطح خوشبختی را دارا هستند (Beit-Hallahmi, 2009). دیده شد که محققین بسیاری به تحلیل رابطه میزان شادکامی و جهت‌گیری مذهبی افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی و قومی پرداخته‌اند، اما در زمینه تبیین رابطه میان میزان شادکامی شهروندان استفاده‌کننده از فضاهای عمومی شهری با چگونگی جهت‌گیری مذهبی ایشان تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. این در حالی است که بیشتر دیده شد هر دو متغیر شادکامی و جهت‌گیری مذهبی، عواملی هستند که بر حضور شهروندان در فضاهای عمومی شهری مؤثرند.

مدل مفهومی تحقیق:

در پژوهش حاضر ابتدا عوامل مختلف مؤثر بر حضورپذیری فضاهای شهری بیان شد. با این وجود هدف عمده این تحقیق بررسی معناداری رابطه میان دو عامل میزان شادکامی و جهت‌گیری مذهبی در بین شهروندان حاضر و استفاده‌کنندگان از فضاهای عمومی شهری است. در نمودار شماره ۱ و در قالب مدل مفهومی تحقیق، روابط میان عوامل ذکر شده، به تصویر کشیده شده است. (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱- مدل مفهومی پژوهش - منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷.

روش‌شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر از روش تحقیق توصیفی تحلیلی در بستر مطالعات کتابخانه‌ای و از روش تحقیق پیمایشی در بستری از مطالعات میدانی بهره گرفته است. پرسشنامه این تحقیق به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها، در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت و ۳ بخشی بود. در بخش اول سؤالاتی در زمینه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان شامل سن، جنس، شغل، تعداد دفعات حضور در فضای شهری، مدت زمان حضور در فضای شهری و ... وجود داشت. در بخش دوم سؤالات مرتبط با پرسشنامه شادکامی آکسفورد (اندازه‌گیری میزان شادکامی افراد) قرار داشت و در نهایت بخش سوم به سؤالات مرتبط با پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت (اندازه‌گیری میزان جهت‌گیری مذهبی افراد) اختصاص داشت. همچنین روایی و پایایی پرسشنامه این تحقیق با استفاده از روش‌های اعتبار محتوا و آلفای کرونباخ (۰,۷۶) تایید شد. در جدول شماره ۳ و جدول شماره ۴، مولفه‌ها و سوال‌های مرتبط با هر مولفه به منظور سنجش میزان شادکامی و چگونگی جهت‌گیری مذهبی افراد در فضاهای عمومی شهری ارائه شده است.

جدول ۳- مؤلفه‌ها و سؤالات مرتبط با هر مؤلفه به منظور سنجش میزان شادکامی افراد در فضاهاى عمومی شهری

سؤالات پرسشنامه	مؤلفه مرتبط با سنجش شادکامی
<ul style="list-style-type: none"> • شاد هستم و احساس شادی می‌کنم. • همیشه در حال خندیدن هستم. • احساس می‌کنم زندگی‌ام رضایت‌بخش است. • همیشه دارای شور و شوق هستم. • احساس میکنم آدم جذابی هستم. • کارهایی را که علاقه دارم و چیزهایی را که میخواستم انجام داده‌ام. • میتوانم وقتم را به خوبی تنظیم کنم و به هر کاری که میخواهم اختصاص دهم. از خودم و آنچه هستم احساس رضایت می‌کنم. • از همه جوانب زندگی‌ام کاملا راضی هستم. 	احساس شادی و رضایت از زندگی
<ul style="list-style-type: none"> • درباره آینده خوشبین هستم و احساس می‌کنم زندگی سرشار از امید پیش رو دارم. • زندگی‌ام معنادار و هدفمند است. 	امید به زندگی و هدفمندی آن
<ul style="list-style-type: none"> • احساس می‌کنم بر تمام جنبه‌های زندگی‌ام کنترل دارم. • بر رویدادهای زندگی‌ام اثر خوبی میگذارم. • همواره اثر خوبی بر دیگران میگذارم. • تصمیم گیری برای من آسان است و به راحتی می‌توانم هر نوع تصمیمی بگیرم. • شروع هر کاری برای من آسان است و احساس میکنم میتوانم هر کاری را بر عهده بگیرم. 	اثر گذاری بر رویدادهای زندگی و محیط
<ul style="list-style-type: none"> • به دیگر هم‌نوعان خود علاقه دارم. • نسبت به دیگران احساس صمیمیت میکنم و به همه انسان‌ها عشق می‌ورزم. • همواره از بودن و وقت گذراندن با دیگران لذت میبرم. • همواره حس تعهد و وجدان کاری دارم. 	علاقه مندی به هم‌نوعان و احساس صمیمیت با آن‌ها
<ul style="list-style-type: none"> • وقتی از خواب بیدار میشوم احساس رفع خستگی می‌کنم. • احساس میکنم بی اندازه توان دارم و سرشار از نیرو هستم. • احساس میکنم از نظر ذهنی هشیار هستم. • احساس میکنم سلامت و تندرست هستم. 	احساس سلامت و تندرستی
<ul style="list-style-type: none"> • از گذشته خاطرات خوش بسیار زیادی دارم. 	تجدید خاطرات
<ul style="list-style-type: none"> • دنیا برایم زیبا و قشنگ جلوه میکند و همه چیز آنرا زیبا مینماید. 	زیبایی
<ul style="list-style-type: none"> • به نظر من همه چیزها جالب و جذاب هستند. 	جذابیت وقایع و محیط اطراف
<ul style="list-style-type: none"> • از نظر من زندگی خوب است و به آن عشق می‌ورزم. • فکر میکنم دنیا جای خوبی است. 	نگرش مثبت به زندگی

منبع: مطالعات نویسندگان با استفاده از (جعفری، ۱۳۸۸)، ۱۳۹۷

جدول ۴- مؤلفه‌ها و سوالات مرتبط با هر مؤلفه به منظور سنجش چگونگی جهت گیری افراد در فضاهای عمومی شهری

مؤلفه مرتبط با جهت گیری مذهبی	سوالات پرسشنامه
تعاملات اجتماعی با دیگران	<ul style="list-style-type: none"> • برای شکل دادن به روابط اجتماعی است که اماکن مذهبی مهم می‌باشند. • من عمدتاً به این دلیل به اماکن مذهبی می‌روم که در چنین اماکنی از ملاقات افرادی که آنها را در آنجا می‌شناسم لذت می‌برم.
احساس آرامش و آسودگی	<ul style="list-style-type: none"> • در هنگام غم و ناراحتی، نماز و دعا به من بیشترین آسودگی و آرامش را می‌بخشد. • هدف از طاعات مذهبی تامین یک زندگی شاد و آرام است. • هدف اصلی دعا و نیایش، دست یابی به حمایت و آرامش می‌باشد.
شرکت در آیین های مذهبی و اماکن مذهبی	<ul style="list-style-type: none"> • اگر قرار باشد در مسجد به گروهی ملحق شوم، ترجیح می‌دهم به گروهی که مشغول خواندن قرآن هستند ملحق شوم تا به گروهی که فعالیتهای اجتماعی انجام می‌دهند. • اگر اتفاق غیر منتظره ای برایم پیش نیاید، بیش یک بار در هفته به اماکن مذهبی (مسجد، حسینیه، زیارتگاه و...) می‌روم. • یکی از دلایل اینکه من به مراسم و آیین های مذهبی می‌روم این است که چنین حضوری به استحکام روابط اجتماعی و شهرت من در اجتماع کمک می‌کند.
معنایابی و مفهوم سازی	<ul style="list-style-type: none"> • دین همان کاری را می‌کند که عضویت من در گروه دوستان و آشنایان می‌کند، یعنی کمک می‌کند تا زندگی را متعادل و پایدار نگه دارم. • دین خاصه از این لحاظ مهم است که بسیاری از سوالات من در خصوص معنای زندگی را پاسخ می‌دهد. • من عمدتاً به این دلیل نماز و دعا می‌خوانم که به من آموزش داده اند تا این اعمال را به جا بیاورم.
اصالت	<ul style="list-style-type: none"> • اعتقادات مذهبی من پشتوانه واقعی دیدگاه من به زندگی هستند. • اغلب حضور خداوند را در زندگی ام احساس می‌کنم. • اگر چه من فردی مذهبی ام، اما اجازه نمی‌دهم که ملاحظات مذهبی در امور روزمره زندگی ام دخالت کند. • تلاش زیادی می‌کنم تا دین را در تمام اعمال و رفتار زندگی ام وارد کنم. • گاهی لازم می‌دانم به منظور دستیابی به حمایت اجتماعی و منافع اقتصادی، اعتقادات مذهبی ام را نادیده بگیرم. • اگر چه من فردی مذهبی ام، اما فکر می‌کنم چیزهای مهمتری نیز در زندگی وجود دارند. • برای من داشتن یک زندگی اخلاقی بر پایه دین مهمتر از اعتقادات افراطی مذهبی می‌باشد.
خلوت	<ul style="list-style-type: none"> • تقریباً همیشه نماز و دعاهایی که به تنهایی می‌خوانم به همان اندازه ای که آنها را در جمع می‌خوانم برایم حس و معنا دارند.
تفکر	<ul style="list-style-type: none"> • من پیرامون مذهب خود مطالعات زیادی انجام می‌دهم. • برای من مهم است که اوقاتی از وقت خود را صرف تامل و تفکر در مورد مذهب کنم.

منبع: مطالعات نویسندگان با استفاده از (J. Francis et al, 2003)، ۱۳۹۷

ذکر این نکته لازم است که جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان شهر مشهد بوده‌اند که به شکلی در فضاهای عمومی این شهر حضور دارند و از اینگونه فضاها استفاده می‌کنند. با توجه به نامشخص بودن تعداد دقیق جامعه آماری، حجم نمونه از فرمول کوکران (تعیین حجم نمونه زمانی که حجم جامعه معلوم نیست) و با ضریب خطا ۰/۰۹ محاسبه شده است. بر اساس این فرمول و مقدار خطا فرض شده، حجم نمونه ۱۱۹ نفر بوده است که با پیش‌بینی موارد خطای احتمالی شهروندان در پاسخگویی به سوالات پرسشنامه و امکان حذف تعدادی از پرسشنامه‌ها، در نهایت ۱۲۰ نفر به عنوان گروه نمونه از جامعه آماری در این تحقیق شرکت داشته‌اند. همچنین به منظور دستیابی به نتایج پایا و قابل تعمیم، گروه نمونه از جامعه آماری به صورت تصادفی از بین شهروندان استفاده‌کننده از ۴ گونه مختلف از فضاهای عمومی شهر مشهد انتخاب شده‌اند (در هر فضای عمومی منتخب، ۳۰ پرسشنامه به صورت تصادفی در بین استفاده‌کنندگان توزیع شده است). در انتخاب فضاهای عمومی شهری نیز از هر دو نوع بافت سنتی و معاصر (با توجه به شکل ۱) استفاده شده است. این ۴ فضای عمومی شهری عبارتند از: پیاده‌راه جنت، خیابان احمدآباد، پارک کوهسنگی و بازار سرشور که دارای ویژگی‌های بافت معاصر و قدیم شهر می‌باشند و در چهار دسته عمده فضاهای عمومی قابل تفکیک‌اند. پیاده‌راه جنت در بافت میانی شهر مشهد قرار دارد و به

عنوان تنها پیاده‌راه طراحی شده شهر مشهد شناخته شده است و به لحاظ مجاورت با کاربری‌های تجاری و فرهنگی همواره مورد توجه شهروندان بوده است. همچنین خیابان احمد آباد مشهد در حوزه میانی شهر قرار دارد. این محور به جهت نقشی که در سطح شهر ایفا می‌نماید، دارای اماکن تجاری عمده مانند زیست خاور، بازار قسطنطنیه و سلمان با مقیاس‌های شهری و منطقه‌ای است و به جهت دارا بودن هر دو نقش تجاری و گردشگری از اهمیت و نقش ویژه‌ای در سطح شهر مشهد برخوردار است. از سوی دیگر پارک کوهسنگی مکانی تفریحی و شناخته شده در سطح شهر مشهد و فراتر از آن است که در حفاصل بافت میانی و بیرونی شهر مشهد قرار دارد. در نهایت بازار سرشور به عنوان فضای باز عمومی از گذشته فعالیت تجاری خود را حفظ نموده است و از قدیمی‌ترین بازارهای شهر مشهد در مجاورت حرم مطهر و در بافت درونی شهر به شمار می‌آید. همچنین با توجه به توزیع نرمال داده‌های بدست آمده از پرسشنامه‌های این تحقیق، جهت تبیین رابطه دوسویه شادکامی و جهت‌گیری مذهبی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

تحلیل یافته‌های پژوهش:

پاسخ دهندگان به پرسشنامه‌های این تحقیق، ۵۱،۱ درصد مرد و ۴۸،۹ درصد زن بوده اند. همچنین اکثریت پاسخ‌دهندگان در سنین ۲۶ تا ۳۵ سال قرار داشته‌اند. از نظر وضعیت تاهل ۴۵،۶ درصد مجرد و ۵۴،۴ درصد متاهل بوده‌اند. بیشترین سطح تحصیلات نیز مربوط به مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بوده است. ۹۱،۱ درصد از پاسخ‌دهندگان با خانواده زندگی می‌کرده‌اند که به لحاظ سطح زندگی ۷۲،۲ درصد افراد وضعیت زندگی خود را متوسط، ۲۴،۴ درصد خوب و ۳،۳ درصد ضعیف ارزیابی کرده‌اند. همچنین ۶۷،۸ درصد خود را فردی مذهبی می‌پنداشتند و ۷۱،۱ درصد افراد نیز خود را فردی تاثیرگذاری بر جامعه می‌دانستند. در جدول شماره ۵، تحلیل آمار توصیفی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در این تحقیق ارائه شده است. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- تحلیل آمار توصیفی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در تحقیق

وضعیت زندگی	وضعیت تحصیلی			وضعیت تاهل		جنسیت		درصد
	با خانواده	کارشناسی ارشد و بالاتر	کارشناسی	فوق دیپلم	متاهل	مجرد	مرد	
تنها یا با دوستان	۸،۹	۴۱،۱	۳۲،۲	۲۶،۷	۵۴،۴	۴۵،۶	۴۸،۹	۵۱،۱

سطح زندگی			شغل						درصد
ضعیف	متوسط	خوب	بازنشسته	خانه دار	شغل ثابت با حقوق متغیر	شغل ثابت با حقوق ثابت	دانشجو	بیکار	
۳،۳	۷۲،۲	۲۴،۴	۱۱،۱	۱۲،۲	۱۶،۷	۲۲،۲	۲۲،۲	۱۵،۶	

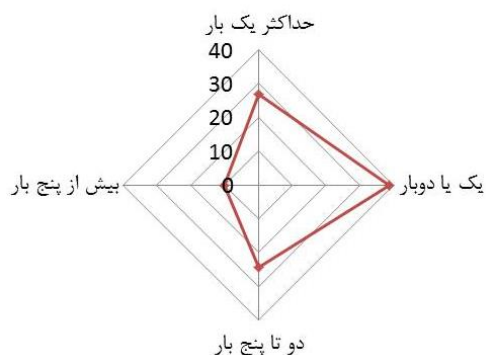
تاثیرگذاری بر جامعه		اعتقاد مذهبی		میزان درآمد			درصد
خیر	بله	خیر	بله	بیش از ۳ میلیون	بین ۱ تا ۲ میلیون	کمتر از ۱ میلیون	
۲۸،۹	۷۱،۱	۳۲،۲	۶۷،۸	۲۲،۲	۴۴،۴	۳۳،۳	

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷.

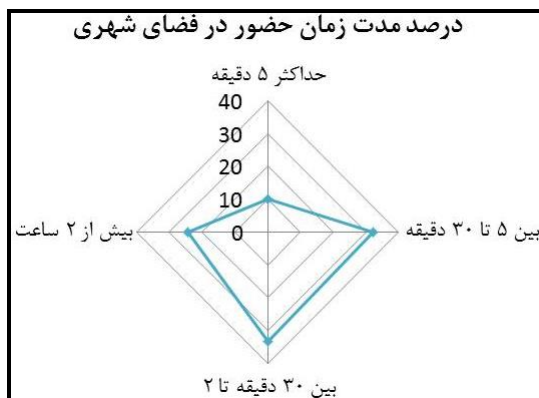
همچنین در نمودارهای شماره ۲، چگونگی حضور (مدت زمان هفتگی حضور در فضای عمومی شهری و تعداد دفعات هفتگی حضور در فضای عمومی شهری) شهروندان شرکت‌کننده در این تحقیق در فضاهای عمومی شهری منتخب تحلیل

شده است. بر این اساس، بیشتر شرکت کنندگان در این تحقیق در هفته حداقل یک یا دو بار در فضای عمومی شهری منتخب حضور دارند و بین ۳۰ دقیقه تا ۲ ساعت از فضای شهری مورد مطالعه استفاده می کنند. (نمودار شماره ۲)

درصد تعداد دفعات حضور در فضای شهری



درصد مدت زمان حضور در فضای شهری



نمودار ۲- درصد مدت زمان حضور و درصد تعداد دفعات حضور شهروندان مشارکت کننده در این تحقیق در فضای شهری منتخب - منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷.

همچنین ذکر این نکته لازم است که با توجه به اینکه نتایج حاصل از آزمون کولموگروف اسمیرنف نشان دهنده توزیع نرمال متغیر شادکامی بوده است، برای تحلیل رابطه بین این متغیر و متغیرهای جهت گیری مذهبی بیرونی و درونی از آزمون پارامتریک همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون ها دال بر وجود رابطه مثبت دوطرفه بین متغیر شادکامی و متغیرهای جهت گیری مذهبی بیرونی ($r=0/332$ و $p<0/01$) و درونی ($r=0/467$ و $p<0/01$) است. بدین معنی که با افزایش میزان جهت گیری مذهبی بیرونی و درونی شادکامی نیز افزایش می یابد و برعکس (جدول شماره ۶) (جدول شماره ۷).

جدول ۶- بررسی رابطه شادکامی و جهت گیری مذهبی بیرونی

جهت گیری مذهبی بیرونی	شادکامی	
۰,۳۲۲**	۱	همبستگی پیرسون
۰,۰۰۱	---	سطح معناداری (دوطرفه)
۱	۰,۳۲۲**	همبستگی پیرسون
---	۰,۰۰۱	سطح معناداری (دوطرفه)

جدول ۷- بررسی رابطه شادکامی و جهت گیری مذهبی درونی (ماخذ: نگارندگان)

جهت گیری مذهبی درونی	شادکامی	
۰,۴۶۷**	۱	همبستگی پیرسون
۰,۰۰۰	---	سطح معناداری (دوطرفه)
۱	۰,۴۶۷**	همبستگی پیرسون
---	۰,۰۰۰	سطح معناداری (دوطرفه)

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷.

جهت نمایش بهتر این موضوع، مقادیر جهت گیری مذهبی بیرونی و درونی به سه دسته کیفی کم، متوسط و زیاد دسته بندی شده و میانگین شادکامی برای هر دسته محاسبه شده است. میانگین شادکامی برای افراد با جهت گیری مذهبی بیرونی

کم، ۹۹/۸۷، برای افراد با جهت گیری مذهبی بیرونی متوسط ۱۰۲/۷۸ و برای افراد با جهت گیری مذهبی بیرونی زیاد ۱۱۰/۳۰ می باشد. میانگین شادکامی برای افراد با جهت گیری مذهبی درونی کم، ۹۳/۹۶، برای افراد با جهت گیری مذهبی درونی متوسط ۱۰۴/۶۲ و برای افراد با جهت گیری مذهبی درونی زیاد ۱۱۱/۸۹ می باشد. همانطور که مشخص است، میانگین شادکامی با افزایش جهت گیری مذهبی بیرونی و درونی افزایش می یابد (جدول شماره ۸ و ۹) و نمودار شماره ۳).

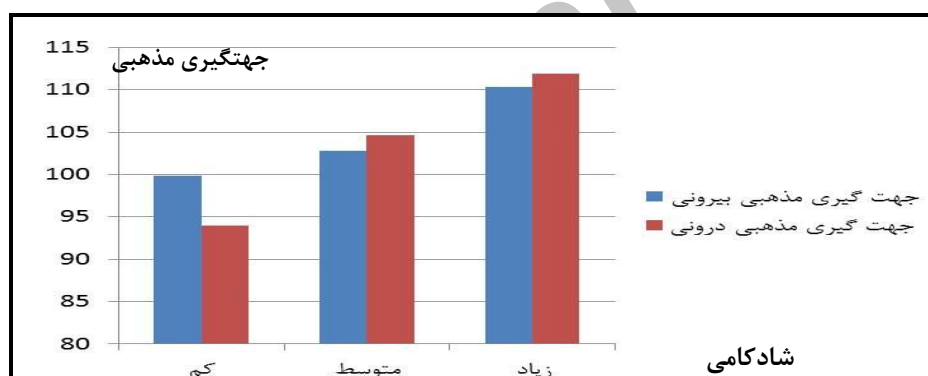
جدول ۸- تحلیل رابطه شادکامی و جهت گیری مذهبی بیرونی

دسته بندی جهت گیری مذهبی بیرونی	تعداد	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
کم	۴۰	۷۴	۱۳۵	۹۹,۸۷	۱۴,۶۴۰
متوسط	۳۶	۶۶	۱۳۱	۱۰۲,۷۸	۱۹,۲۷۴
زیاد	۴۴	۷۳	۱۴۴	۱۱۰,۳۰	۱۵,۴۳۶

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷.

جدول ۹- تحلیل رابطه شادکامی و جهت گیری مذهبی درونی

دسته بندی جهت گیری مذهبی بیرونی	تعداد	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
کم	۴۰	۶۶	۱۲۲	۹۳,۹۶	۱۷,۰۲۳
متوسط	۳۶	۷۷	۱۳۵	۱۰۴,۶۲	۱۴,۹۲۷
زیاد	۴۴	۷۳	۱۴۴	۱۱۱,۸۹	۱۴,۵۳۸



نمودار ۳- مقایسه سطح شادکامی و جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی - منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷

نتیجه گیری:

بررسی های انجام شده در این پژوهش نشان می دهد که در فضاهای عمومی شهری و در بین گروه های مختلف اجتماعی استفاده کننده از اینگونه فضاها، میزان شادکامی و چگونگی جهت گیری مذهبی شهروندان با یکدیگر ارتباط معنادار و مثبت دارند. این بدان معناست که از میان شهروندان حاضر در فضاهای عمومی شهری افرادی که دارای احساسات مذهبی هستند، شادترند و کمتر دچار ناامیدی و افسردگی می شوند. معنویت و احساسات مثبت از جمله عواملی هستند که امید به زندگی را در افراد افزایش می دهند و منجر به هدفمندی زندگی می شوند. پس طبق نتایج این پژوهش می توان بیان نمود، در بین استفاده کنندگان از فضاهای عمومی شهری، افرادی که باورهای دینی و مذهبی دارند، خوشنودترند و همچنین کسانی که شادترند، باورهای مذهبی عمیق تری دارند. طبق پژوهش آلپورت، جهت گیری مذهبی به دو بخش درونی و بیرونی تقسیم شده است که در این پژوهش ارتباط شادکامی با جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی بررسی شده است. نتایج، اختلاف اندکی را نمایش می دهد به گونه ای که همبستگی جهت گیری درونی با شادکامی ۴۶ درصد و همبستگی جهت گیری بیرونی و

شادکامی ۳۲ درصد است. که این موضوع نشان دهنده ارتباط بیشتر جهت گیری درونی با میزان شادکامی است. جهت گیری درونی به معنای ارتباط عمیق و درونی با ذات هستی است، این بدان معناست که در بین استفاده کنندگان از فضاهای عمومی شهری، افرادی که عمیقاً احساسات مذهبی دارند، انسان‌های شادتری هستند. با توجه به نتایج حاصله از این تحقیق و وجود رابطه معنادار میان میزان شادکامی و جهت گیری مذهبی شهروندان در فضاهای عمومی شهری، در جدول شماره ۱۰، راهبرد-های طراحی شهری معطوف به متغیرهای شادکامی و جهت گیری مذهبی که بر غنی‌تر شدن تجربه حضور شهروندان در فضاهای عمومی شهری موثرند، ارائه شده است.

جدول ۱۰- ارائه راهبردهای طراحی شهری معطوف به مولفه‌های شادکامی و جهت گیری مذهبی و موثر بر غنی‌تر شدن تجربه حضور شهروندان در فضاهای عمومی شهری

متغیر	مؤلفه	راهبردهای طراحی شهری در فضای عمومی
شادکامی	احساس شادی و رضایت از زندگی	انجام فعالیت‌های شادی بخش و گذران اوقات فراغت در فضای شهری همچون تئاترهای خیابانی، موسیقی-های خیابانی، ورزش‌های گروهی و...
	امید به زندگی و هدفمندی آن	شکل‌دهی محیطی آرام و فاقد استرس‌های محیطی همچون سرو صدای اتومبیل‌ها استفاده از رنگ‌های سرزنده و نورهای جاذب به گونه‌ای که اضطراب و استرس افراد در فضاهای شهری را کاهش دهد و منجر به ارتقای سطح آرامش و در نتیجه امید به زندگی افراد شود
	اثر گذاری بر رویدادهای زندگی و محیط	انعطاف‌پذیری فضا و ایجاد قابلیت شناسایی محیط توسط فرد و امکان تغییرات اندک در محیط برای آن‌ها با بکارگیری مبلمان متحرک، فضای سبز قابل افزودن و نگهداری و...
	علاقه مندی به هموعان و احساس صمیمیت با آن‌ها	ایجاد فضای مکث و جاذب افراد به منظور افزایش برخوردهای چهره به چهره و به کارگیری تسهیلات مورد نیاز فضا همچون مبلمان مناسب و فعالیت‌های متنوع و جاذب
	احساس سلامت و تندرستی	ایجاد محیط پاک و فاقد آلودگی هوا، صوت و... افزایش مسیرهای پیاده با کیفیت و کاهش اتومبیل‌ها ایجاد فضایی که افراد از گروه‌های سنی و جنسی مختلف امکان انجام فعالیت‌های ورزشی داشته باشند
	احساس تعلق به محیط	به کارگیری نشانه‌های شهری در جهت هویت دهی به فضا به کارگیری عناصر شهری خاطره‌انگیز
	تجدید خاطرات	استفاده از عناصر شهری موثر بر شکل‌گیری خاطرات جمعی به عنوان مثال در طراحی مبلمان، تزئینات و جزئیات فضایی
	زیبایی	به کارگیری مجسمه‌ها و المان‌های شهری که علاوه بر زیباسازی فضا بر افزایش شادکامی افراد نیز موثر است. استفاده از گرافیک محیطی و فرم و ابعاد متنوع که علاوه بر زیباسازی فضا حاوی پیام نیز باشند.
	جذابیت وقایع و محیط اطراف	استفاده از رنگ‌های متنوع و سرزنده در فضا به گونه‌ای که منجر به آشنایی و ناآرامی نگردد
	نگرش مثبت به زندگی	رنگ‌های شاد و سرزنده، امکان انجام فعالیت‌های متنوع و شادی بخش، امنیت فضا و حضور امن گروه‌های سنی و جنسی مختلف، شکل‌دهی فضایی به منظور برقراری تعاملات اجتماعی با دیگران
جهت گیری مذهبی	تعاملات اجتماعی با دیگران	برقراری روابط اجتماعی در فضای شهری از طریق شکل‌دهی پیاده‌روهای فعال و تاکید بر شکل‌گیری زندگی پیاده و پر جنب و جوش، اختلاط کاربری‌ها
	احساس آرامش و آسودگی	خیابان‌ها و واحدهای همسایگی سرزنده با نور آفتاب کافی، هوای پاک، فضای باز، ساختمان‌های طراحی شده مطلوب، بدون سرو صدای تهاجمی، با پاکیزگی و ایمنی به کارگیری عوامل طبیعی آرامش بخش همچون آب و پوشش گیاهی و تامین امکانات رفاهی در محیط
	شرکت در آیین‌های مذهبی و اماکن مذهبی	طراحی فضاهای مشخص انعطاف پذیر و چند منظوره که در روزهای مشخص امکان برگزاری مراسم مذهبی را ایجاد نماید
	معنایابی و مفهوم سازی	برقراری تطابق بین محیط، احساس و قابلیت‌های ذهنی و ساختارهای فرهنگی افراد
	اصالت	شکل‌دهی محیطی با اصالت و با هویت مذهبی، تعریف کاربری‌های مذهبی دارای قدمت و هویت بخش
	خلوت	تعریف فضاهای مشخص در مکان‌های عمومی به گونه‌ای که علاوه بر داشتن نظارت اجتماعی امکان استقلال فردی و جدایی‌گزینی از جمع موقتاً ایجاد نماید. همچنین استفاده صحیح از رنگ و روشنایی به منظور حفظ حریم خصوصی، امنیت، خلوت و آسایش روانی
	تفکر	شکل‌دهی محیطی آرام با عناصر طبیعی (آب، گیاه، نور خورشید) و فاقد آلودگی‌های محیطی که امکان برقراری تعاملات اجتماعی و به اشتراک گذاری عقاید را نیز فراهم آورد.

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷

همچنین با توجه به جدول شماره ۱۰، می‌توان برای غنی‌تر کردن تجربه حضور شهروندان در ۴ فضای شهری منتخب شهر مشهد، راهبردهای طراحی شهری معطوف به متغیرهای شادکامی و جهت‌گیری مذهبی بدین شرح ارائه کرد: الف) پیاده-راه جنت: استقرار کاربری های اوقات فراغت، ایجاد تنوع در کاربری ها به گونه ای که جاذب گروه های مختلف اجتماعی باشد، ایجاد تنوع در فعالیت ها از طریق گسترش فعالیت های اختیاری، استفاده از رنگ های شاد و تنوع در طرح مبلمان ها، ایجاد فضاهای مکث، نشستن، تماشا، امکان فعالیت معرکه گیران و دستفروشان، به کارگیری مجسمه ها و المان های شهری به منظور زیباسازی فضا، حفظ و تقویت عناصر هویت بخش و خاطره انگیز جمعی، استقرار فعالیت هایی که در ساعات طولانی فعال باشند و نورپردازی مناسب فضا، استفاده از عنصر آب و گیاه در طراحی محیط، ایجاد فضاهایی به منظور برگزاری فعالیت ها و مراسم ویژه. ب) خیابان احمدآباد: استفاده از المان های شهری هویت بخش، استفاده از ریتم در بکارگیری عناصر طبیعی به گونه ای که گویای مسیر نیز باشد، عدم استفاد هاز عنصر دکوراتیو و پیچیده در طراحی مبلمان، سادگی و خوانایی احجام دو سمت خیابان به گونه ای که قابل درک برای همگان باشد، افزایش عرض مسیرهای پیاده به منظور بهبود دسترسی افراد پیاده، افزایش پوشش فضای سبز و ایجاد فضاهای مکث در طول مسیر به گونه ای که آرام و فاقد استرس های محیطی همچون سرو صدای اتومبیل باشد، افزایش آسایش اقلیمی محیط، استفاده از نشانه های شهری که علاوه بر خوانا نمودن مسیر به بخش و گذران اوقات فراغت همچون تئاتر های خیابانی، موسیقی های خیابانی، ورزش های گروهی و... استفاده از مبلمان هایی با رنگ های شاد و متنوع، افزایش آسایش اقلیمی محیط، استفاده از نشانه های شهری که علاوه بر خوانا نمودن مسیر به سمت کوه بر هویت آن نیز بیفزاید، استفاده از گرافیک محیطی و فرم و احجام متنوع که علاوه بر زیباسازی فضا حاوی پیام نیز باشند. ت) بازار سرشور: افزایش کیفیت کفسازی محیط، حفظ ارزش های تاریخی و مذهبی بازار، ایجاد تنوع فضایی از طریق شکل دهی فضاهای تفریحی و اوقات فراغت در مجاورت آن، ایجاد فضاهای مکث و استراحت و عنصر آب در میانه مسیر، به کارگیری عناصر شهری خاطره انگیز، ایجاد وحدت در طراحی نماها به منظور هویت بخشی به فضا.

در پایان امید است نتایج حاصل از این پژوهش و راهکارهای طراحی شهری ارائه شده بتواند زمینه غنی‌تر شدن حضور شهروندان در فضاهای عمومی شهری را فراهم آورد.

منابع و مأخذ:

۱. آرگایل، مایکل (۲۰۰۱): روانشناسی شادی، ترجمه: مسعود گوهری انارکی، حمیدطاهر نشاط دوست، حسن پالانگ و فاطمه بهرامی، انتشارات جهاد دانشگاه، اصفهان.
۲. بهزادفر، مصطفی. ارسالن طهماسبی (۱۳۹۲): «شناسایی و ارزیابی مولفه های تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان های شهری: نمونه مورد مطالعه سنندج»، باغ نظر، دوره ۱۰، شماره ۲۵، صص ۱۷-۲۸.
۳. پایمر، سای (۱۳۹۲): آفرینش مرکز شهری سرزنده. ترجمه: مصطفی بهزادفر، امیر شکیبامنش، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۴. پورمند، حسنعلی. محسن موسیوند (۱۳۸۹): «مجسمه سازی در فضاهای شهری»، هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، شماره ۴۴، صص ۵۱-۵۸.
۵. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۷): شهرسازی شهروندگرا، ترجمه: محمد احمدی نژاد، نشر خاک، اصفهان.
۶. جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۶): «جهت گیری مذهبی و سلامت روان»، مجله پژوهشی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی شهید بهشتی، دوره ۳۱، شماره ۴، صص ۳۴۵-۳۵۰.
۷. جعفری، علیرضا (۱۳۸۸): «بررسی رابطه جهت گیری مذهبی (درونی - برونی) با شیوه های مقابله با استرس در دانشجویان»، علوم رفتاری، دوره ۱، شماره ۱، صص ۹۱-۱۱۴.

۸. حیدری رفعت، ابوذر و علی عنایتی نوین فر (۱۳۸۹): «رابطه ی بین نگرش دینی و شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس»، روانشناسی و دین، شماره ۱۲، صص ۶۱-۷۲.

۹. خستو، مریم. نوید سعیدی رضوانی (۱۳۸۹): «عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری»، هویت شهر. سال چهارم، شماره ۶، صص ۶۳-۷۴.

۱۰. رفیعیان، مجتبی، علی اکبر تقوایی، مسعود خادمی و رجا علی پور (۱۳۹۱): «بررسی تطبیقی رویکردهای سنجش کیفیت در طراحی فضاهای عمومی شهری»، نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۴، صص ۵۱-۴۳.

۱۱. سامانی، قدسیه (۱۳۹۱): «راهبردهای طراحی و برنامه ریزی شهری در ارتقای حیات شبانه فضاهای شهری»، فصلنامه پنجره، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۳۹-۴۳.

۱۲. شجاعی، دلارام و پروین پرتوی (۱۳۹۴): «عوامل موثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)»، باغ نظر، دوره ۱۲، شماره ۳۴، صص ۱۰۸-۹۳.

۱۳. صالحی، لیلی، لاله سلیمانی زاده، سید عباس باقری یزدی و عباس عباس زاده (۱۳۸۶): «رابطه بین اعتقادهای مذهبی و منبع کنترل با سلامت روان در دانشجویان»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۵۰-۵۵.

۱۴. کاشانی جو، خشایار. (۱۳۸۹): «بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری»، هویت شهر، شماره ۶، صص ۹۵-۱۰۶.

۱۵. کشاورز، امیر و محبوبه وفاییان (۱۳۸۵)، «بررسی عوامل تاثیر گذار بر میزان شادکامی»، روان شناسی کاربردی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۵۱-۶۲.

۱۶. گل، یان و برجیت سوار (۱۳۹۴): «چگونه زندگی همگانی را مطالعه کنیم، ترجمه: مصطفی بهزادفر، محمد رضایی ندوشن، احمد رضایی ندوشن، موسسه علم معمار رویال، تهران.

۱۷. مدنی پور، علی (۱۳۸۷): طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندی اجتماعی - مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی، تهران.

۱۸. میرشاه جعفری، ابراهیم، محمدرضا عابدی و هدایت الله دریکوندی (۱۳۸۱): «شادمانی و عوامل موثر بر آن. تازه های علوم شناختی»، سال چهارم، شماره ۳، صص ۵۰-۵۸.

۱۹. وحدت، سلمان و حسن سجاد زاده (۱۳۹۵): «نقش منظر فضاهای شهری در میزان «حسن تعلق به مکان» از دیدگاه شهروندان (نمونه موردی: میدان های شهری همدان)»، نگرش های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۳۰، صص ۶۳-۸۴.

20. Argyle, M. and P. Hills, (2000): *Religious Experiences and Their Relations With Happiness and Personality. The International Journal for the Psychology of Religion*, 10(3), PP: 157-172.

21. Aghili, M, and G. Venkatesh Kumar, (2008): *Relationship between Religious Attitude and Happiness among Professional Employees. Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 34, PP: 66- 69.

22. Abarghouei. M, and M.H. Sorbi, M.R. Abarghouei, R. Bidaki, (2016): *The Relationship between Religious Coping Strategies and Happiness with Meaning in Life in Blind People. Global journal of health science*, 9 (1). PP:130- 137.

23. Bolourchi, M. and M. Bolourchi, (2017): *Interaction between Fluid Urban Spaces and Reduction of Vulnerability to Risks and Threats in Urban Crises, Journal of Sustainable Development*, 10 (2), pp: 143- 154.

24. Darvyri, P. and M. Galanakis, A.G. Avgoustidis, N. Pateraki, S. Vasdekis, Ch. Darviri, (2014): *The Revised Intrinsic/Extrinsic Religious Orientation Scale in a Sample of Attica's Inhabitants, Psychology*, 5, PP: 1557-1567.

25. Gehl, J. (1987): *Life Between Buildings: Using Public Space*, translated by Jo Koch, Van Nostrand Reinhold, New York.
26. J. Francis, L. H.G. Ziebertz. Ch. Alan Lewis, (2003): *The Relationship Between Religion and Happiness Among German Students*. *Pastoral Psychology*, 5 (4). PP: 273- 281.
27. J. Sillick, W., A. Stevens, B., & Cathcart, S, (2016): *Religiosity and happiness: A comparison of the happiness levels between the religious and the nonreligious*, *The Journal of Happiness & Well-Being*, 4(1), PP: 115-127.
28. KA, Lestan. Eržen I, Golobič M, (2014): *The role of open space in urban neighbourhoods for health-related lifestyle*, *Environ Res Public Health*, 11 (6), PP: 6547- 6570.
29. Khakpour, A and S. Sabouri, M. Harirchian, (2017): *Analysis of Effective Factors on Presence of Citizens in Urban Spaces, Case Study: Towhid Square in Tehran*, *Journal of Sustainable Development*, 10(3), PP: 35- 45.
30. Kim, D, (2007): *A compared testifying for the conceptual relation model about happiness and religious attitudes*. *Korean Journal of Health Psychology*. 12(2), PP: 347- 365.
31. Lewis, Ch. A and Sh. Mary Cruise, (2006): *Religion and happiness: Consensus, contradictions, comments and concerns*. *Mental Health, Religion & Culture*, 9 (3), PP: 213- 225.
32. M. Poloma and M. Brian, F. Pendleton, (1990): *Religious domains and general well-being*, 22(3), PP: 255- 276.
33. Mazumdar, Sh and S. Mazumdar, (2004): *Religion and place attachment: A study of sacred places*, *Journal of Environmental Psychology*, 24, PP: 385- 397.
34. O. Wheeler, J, (2007): *Social Interactions in Urban Places*, *Journal of Geography*, 70 (4), PP: 200- 203.
35. Modabber, M.H. and M. Noroozi, M.H. Davami, H. Zabetian, H. Hakimelahi, M. S Sanie, A. Sapidkar, A. Yusef, A. Sotoodeh Jahromi, A. Madani. (2016): *Affecting Factor on Religion and Happiness in Medical Students*, *Journal of Novel Applied Sciences*, 5(4), PP: 105- 108.
36. N. Dember and W. Stephanie, H. Martin, M.K. Hummer, S.R. Howe, R.S. Melton, (1989): *The measurement of optimism and pessimism*, *Current psychology*, Vol 8 (2), PP: 102- 119.
37. Pakzad, J, (2010): *Development of thoughts in Urbanism, first - third vol*, Tehran, Armanshahr Publication.
38. Paumier, C, (2007): *Creating a Vibrant City Center*, (ULI) Urban Land Institute, Washington, D.C.
39. Rezazadeh, R and M. Mohammadi, (2013): *Responsive Urban Space Special Need Group (Women), Case study: Chizar Neighborhood Space, Tehran, Iran*, *International Journal of Architecture & Urban Planning*, 23(1), PP: 64-73.
40. Sapmaz, F and M. Yıldırım, P. Topçuoğlu, D. Nalbant. U. Sızır, (2016): *Gratitude, Forgiveness and Humility as Predictors of Subjective Well-being among University Students*, *International Online Journal of Educational Sciences*, 8 (1), PP: 38-47.
41. Soltanian, F and A. Mohammadi, (2015): *Study of characteristics of urban public open spaces based on social interaction (Case study: Salavatabad's 3-kilometer route)*, *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, 4(3), PP: 553-564.
42. Underwood, C.G and J. Teresi, (2002): *The daily spiritual experience scale: Development, theoretical description, reliability exploratory factor analysis and preliminary construct*, *Annals of Behavioral Medicine*, 24 (1), PP: 22- 33.
43. Yazdanfar, A and S. Ghaemmaghami, P. Ahmadpour, (2013): *Applying design ideas to promote security of urban spaces*, *International Journal of Architecture and Urban Development*, 4(1), PP: 51- 62.

Archive of SID